

بررسی تاثیر تخصص هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

معصومه علیپور یگانه

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی خرد، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول).
masoumehalipouryganeh@gmail.com

دکتر رضا حسینی

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی خرد، بوشهر، ایران.
hosseinir42@yahoo.com

چکیده

هدف از این بررسی تاثیر تخصص هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی است. نمونه آماری شامل ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۱ فعال بوده‌اند. روش آماری این پژوهش رگرسیون چند متغیره است. جهت آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار Eviews نسخه ۱۰ استفاده گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر مثبت و معناداری دارد و تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود تأثیر مثبت و معناداری دارد و پاداش مدیرعامل، حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش تأثیر مثبت و معناداری دارد.

کلید واژه: مدیریت سود، رشد فروش، تخصص هیئت مدیره.

مقدمه

سود یکی از مهمترین عوامل موثر بر تصمیم گیریهای اقتصادی است، آگاهی استفاده کنندگان از قابل اتکاء بودن سود می‌تواند آنها را در اتخاذ تصمیمات بهتر در مورد سودآوری و تجزیه و تحلیل صورتهای مالی یاری دهد. نظریه کیفیت سود برای اولین بار توسط تحلیل گران مالی و کارگزاران بورس مطرح شد. زیرا آنان احساس می‌کردند سود گزارش شده، قدرت سود را به درستی نشان نمی‌دهد. آنان دریافتند که پیش‌بینی سودهای آینده بر مبنای نتایج گزارش شده، کار مشکلی است. افزون بر این، تحلیلگران فهمیدند که تجزیه و تحلیل صورتهای مالی شرکت‌ها به دلیل نقاط ضعف متعدد در اندازه گیری اطلاعات حسابداری کار مشکلی می‌باشد.

با در نظر گرفتن اهمیت خدمات حسابرسی و عدم امکان مشاهده مستقیم کیفیت حسابرسی، پیدا کردن روشی اثربخش برای کنترل کیفیت حسابرسی، امری ضروری است. مهم ترین جنبه کنترل و مدیریت کیفیت حسابرسی را می‌توان حق الزحمه حسابرسی دانست. حق الزحمه خدمات حسابرسی شرط ضروری برای اطمینان نسبت به کیفیت حسابرسی است. اگر چه حق الزحمه بیشتر حسابرسی همیشه بیانگر هزینه حسابرسی با کیفیت بالاتر نیست اما، علاوه بر داشتن کیفیت حسابرسی مناسب، موسسات حسابرسی هزینه استنادی را برای انجام کار خود در نظر می‌گیرند که به طور طبیعی حق

الزحمه دریافتی آنها بیشتر از این هزینه هاست. در صورت وجود رقابت در بازار، موسسات حسابرسی علاوه بر دریافت حق الزحمه کمتر، ممکن است که صاحب کاران خود را نیز از دست بدهند. در صورتی هم که موسسات حسابرسی حق الزحمه خیلی بالاتری را نسبت به هزینه های صرف کرده برای انجام حسابرسی درخواست کنند، دیدگاه جامعه نسبت به کیفیت کار آنها با تردید همراه خواهد شد. بنابراین می توان مشاهده کرد که تحقیقات تجربی در رابطه با حق الزحمه حسابرسی شرکت های بورسی در ایران، اطلاعات مناسبی را برای سرمایه گذاران به منظور تفسیر حق الزحمه حسابرسی فراهم می آورد (خوشکار و همکاران، ۱۳۹۸).

همچنین نرخ رشد شرکت (رشد فروش) می تواند تاثیری بر میزان سود شرکت داشته باشد. شرکت های بزرگ نسبت به شرکت های کوچک مطلوب تر هستند به گونه ای که رشد شرکت تا حد زیادی بر سود و ارزش شرکت تأثیر می گذارد. رشد فروش (رشد فروش) توسط شرکت های داخلی و خارجی بسیار مورد انتظار است، زیرا شرکت هایی که رشد خوبی دارند نشان می دهند که شرکت ها قادر به توسعه و تولید وجوه به خوبی هستند. به طور کلی، شرکت های در حال رشد سریع نتایج مثبتی به دست می آورند و این بدان معنی است که شرکت قادر به رقابت است و از فروش هایی که به میزان قابل توجهی افزایش می یابد و همراه با افزایش سهم بازار است، حداکثر سود را می برد. به طوری که اگر سطح فروش شرکت افزایش یابد باعث افزایش سودآوری شرکت می شود.

براساس مطالب بیان شده این سوال مطرح می شود که آیا حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد؟ و آیا تخصص هیات مدیره بر مدیریت سود تاثیر معناداری دارد؟ و همچنین آیا حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیات مدیره بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش تاثیر معناداری دارد؟ لذا این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات می باشد.

مبانی نظری

تخصص هیات مدیره

معیارهای اندازه گیری تخصص مالی عبارتند از تجربه کاری طول دوره تصدی حداقل ۵ سال مدیریت در شرکت مورد مطالعه)، تحصیلات دانشگاهی دارای حداقل مدرک کارشناسی در رشته های مالی از قبیل (حسابداری، اقتصاد، مدیریت) و تجربه حرفه ای دارای گواهینامه های حسابداری.

بازار بورس اوراق بهادار به طور واضح محیطی است که مستلزم دانش و تخصص مالی برای اخذ تصمیمات سرمایه گذاری است. وقتی مدیر شناخت خوبی از لحاظ ادبیات، مالی راهبردهای سرمایه گذاری و نتایج ضمنی راهبردهای تأمین مالی دارد احتمال اینکه رفتاری ناعقلانی داشته باشد میتواند کاهش یابد برخلاف این، مدیری که تخصص غیرمالی دارد ممکن است حساسیت سرمایه گذاری جریان نقدی را افزایش دهد. علتش آن است که وی فاقد روحیه مالی است. قنبری و همکاران (۱۳۹۲).

حق الزحمه حسابرسی

حق الزحمه حسابرسی: حق الزحمه ی حسابرسی شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه ی خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرار داد به حسابرس یا موسسه ی حسابرسی پرداخت می شود (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۸)، و در تعریفی دیگر حق الزحمه حسابرسی: مبلغی است که حسابرس بابت خدماتی که می خواهد به مشتری ارائه دهد تعیین می کند. در حق الزحمه حسابرسی برآورد ساعت کار کلیه پرسنل در تمام سطوح در نظر گرفته می شود. (شادمان، ۱۳۸۳).

عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی

در جهان حسابرسی به عنوان یک حرفه، یک تخصص و یک رشته دانشگاهی و علمی عمر نسبتاً کوتاهی دارد که به زحمت به بیش از یکصد سال می رسد ولی پیدایش حسابرسی به لحاظ زمانی با ظهور و معرفی حسابداری همراه بوده است. در واقع از زمانی که پیشرفت و تحول در تمدن بشر این ضرورت را به وجود آورد که مسئولیت اداره اموال یک شخص به شخص دیگری تفویض شود، اعمال نوعی نظارت بر پایبندی و وفاداری نسبت به تعهدات قراردادی نیز ضرورت یافته است. اما هنوز و همراه با تحولات شتاب آمیز یکصدسال گذشته، حرفه حسابرسی به سرعت خود را با شرایط و اوضاع و احوال زمان تطبیق داده و به یک دانش تخصصی مطرح شده است.

فرآیند تکامل حسابرسی با بکارگیری علوم و فنون دیگر مانند آمار و ریاضیات، مدیریت و سیستم های اطلاعاتی در حسابداری و حسابرسی همراه بوده و تغییرات وسیع تکنولوژی اطلاعات که به گسترش فرآیند سیستم های کامپیوتری پردازش اطلاعات مالی انجامید و نیز وضع قوانین مالیاتی و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی توسط سازمان ها و نهادهای عمومی به ویژه از دهه ۷۰ به بعد، حسابداری را متحول و تغییرات و تحولات سریع حسابرسی را الزامی کرده است که حسابرسی را به رشته ای پیچیده و پویا تبدیل کرده است که دامنه آن به سرعت گسترده می شود.

حسابرسی به عنوان حرفه ای مستقل، وظیفه خطیری در جهت اعتبار دهی گزارش های مالی برای جامعه استفاده کنندگان اطلاعات مالی بر عهده دارد. از دیدگاه استفاده کنندگان اطلاعات، گزارش حسابرسی بسیار با ارزش است. این ارزش تابعی از اقوام و گروه های ذی علاقه است. شواهد بسیاری نشان می دهد که استفاده از خدمات حسابرسان مستقل در واحدهای اقتصادی گویای این واقعیت است که از دیدگاه دریافت کنندگان خدمات حسابرسی، ارزش این خدمات و منافع متصور بر اجرای آن به مراتب از مخارج آن بیشتر است.

مدیریت سود

با گسترش روزافزون بازارهای مالی جهان از قرن بیستم، مسائلی همچون مدیریت و هموارسازی سود و حاکمیت شرکتی در دنیای حسابداری، مدیریت، اقتصاد و دیگر علوم با حساسیت ویژه ای مدنظر قرار گرفته، و هر یک از صاحب نظران و محققین از زاویه علوم خود به بررسی و تفسیر نتایج حاصل از یافته هایشان پرداخته اند. با توجه به فرآیند افشای اطلاعات، سرمایه گذاران (معامله گران) با مشکل عدم تقارن اطلاعاتی رو به رو هستند. این مشکل زمانی به وجود می آید که یکی از طرفین معامله نسبت به طرف دیگر، دارای اطلاعاتی بیش از طرف مقابل باشد. مانند تحقیقات پیشین، از معیار نقدشوندگی (اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام) به عنوان نماینده عدم تقارن اطلاعاتی استفاده شده است. نقش متولیان افشای اطلاعات در حاکمیت شرکتی متبلور می شود که در بر گیرنده کنترل و رویه هایی برای اطمینان از عدم حرکت مدیریت شرکت در جهت منافع شخصی و حرکت در مسیر حداکثر کردن منافع سهامداران و ارزش شرکت است.

رشد فروش

رشد و مدیریت آن مشکلات خاصی را در برنامه ریزی مالی به همراه دارد که تا حدودی بدین خاطر است که تعداد کثیری از مدیران، رشد را به صورت چیزی که باید به حداکثر برسد، می بینند. آنها اینگونه استدلال می کنند: همانطور که رشد صورت گرفته است، به موازات آن باید سهم شرکت از بازار و سود نیز افزایش یابد. با این حال از دیدگاه مالی، رشد همیشه یک موهبت نیست. رشد سریع میتواند فشار قابل ملاحظه ای بر منابع شرکت وارد سازد. اگر مدیریت از این موضوع آگاهی نداشته باشد و گامی برای کنترل آن برندارد، رشد سریع میتواند باعث ورشکستگی شود. این یک حقیقت

تلخ است: شرکتهایی که سریع رشد میکنند، نسبت به شرکتهایی که کند رشد میکنند، بیشتر ورشکست میشوند. بسیار غم انگیز است اگر بدانیم وقتی که شرکتهای سریع رشد هنگام برخورد با چالش در بازار (جوابگویی به تقاضاهای مردم) شکست می خورند زیرا آنها فراسر کافی در زمینه ی مالی برای مدیریت رشدشان به طور صحیح نداشته اند. در طرف دیگر طیف، شرکتهایی که دارای رشد بسیار کند هستند، مجموعه ی مبرم از روابط مالی مختلف را دارند. وقتی مشیت ظاهر شود، اگر آنها نتوانند مفهوم مالی رشد را درک کنند، کاندیداهای بالقوهای برای فرصت طلبان باهوش خواهند بود تا به تملک آنان درآیند. در چنین مواردی مدیریت مالی رشد موضوع درخور بررسی دقیق است. (هیکنز، ۲۰۰۳).

ال کوثر و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی کیفیت حسابرسی، تامین مالی از طریق بدهی و مدیریت سود پرداختند. نتایج به دست آمده بیان می کند که استقلال حسابرسی تاثیر منفی بر مدیریت سود می گذارد و هر چه استقلال حسابرسی بیشتر باشد مدیریت سود در شرکت ها کمتر می شود. همچنین هر چه تامین مالی از طریق بدهی بیشتر باشد مدیریت سود در شرکت ها افزایش می یابد.

فاضلی و نیاکان (۱۴۰۰)، به بررسی رابطه بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود و تأثیر سواد مالی اعضای زن در هیأت مدیره پرداختند. برای دستیابی به هدف پژوهش از اطلاعات ۱۲۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۶ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها روش رگرسیون چند متغیره به کار گرفته شده است. یافته ها نشان دادند بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین مدیریت سود شرکتهایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی هستند، از شرکتهایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی نیستند، بیشتر است. مهندرا و همکاران (۲۰۲۲)، به بررسی تاثیر عملکرد مالی و مالکیت نهادی و ریسک بر پاداش مدیران پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که عملکرد و ریسک شرکت به طور معنی داری بر پاداش اجرایی صنایع بانکی در اندونزی تأثیر می گذارد. در همین حال، مالکیت نهادی تأثیر قابل توجهی بر غرامت اجرایی صنایع بانکی در اندونزی نداشت. بوازی و همکاران (۲۰۲۰)، به بررسی ویژگی های مدیرعامل و مدیریت سود پرداختند. نتایج نشان داد که بین دوگانگی مدیرعامل، ملیت مدیرعامل و مدیریت سود رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. با این حال، هیچ ارتباط معنی داری بین جنسیت مدیرعامل و مدیریت سود وجود ندارد.

روش شناسی تحقیق

از طرفی انواع تحقیقات را براساس نوع داده ها می توان به تحقیق کیفی، کمی و آمیخته تقسیم نمود. تحقیق های کمی غالباً از داده های کمی و تحقیق های کیفی غالباً از داده های کیفی استفاده می کنند منظور از کمی اتکای تحقیق به اعداد و رقم نیست چرا که داده های کیفی را هم می توان با ابزار کمی (اعداد و رقم) تحلیل نمود و این به معنای کمی بودن آنها نیست.

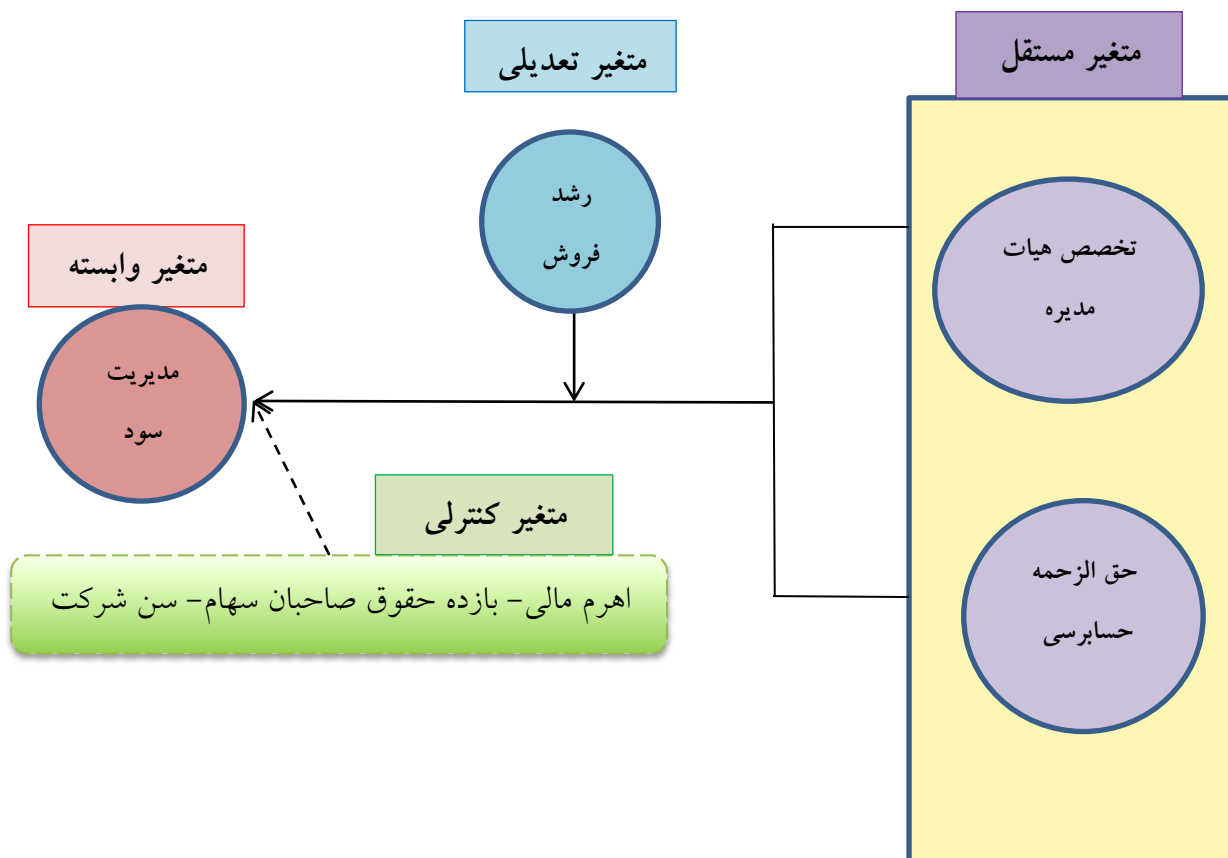
از آنجایی که این پژوهش در پی یافتن رابطه معناداری بین متغیرها است، بنابراین این پژوهش از لحاظ هدف توصیفی و در زمره پژوهش های همبستگی قرار می گیرد. همچنین، پژوهش حاضر از نگاهی دیگر توصیفی پس رویدادی است زیرا اطلاعات موجود پس از روی دادن موارد مربوط به تحقیق انجام می پذیرد، یعنی بر پایه تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته (صورت های مالی شرکت ها) انجام می گیرد و چون می تواند در فرایند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، بنابراین از لحاظ ماهیت هم در زمره تحقیق های کاربردی است و از لحاظ نوع داده کمی است.

جامعه آماری شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ در بورس اوراق بهادار تهران بوده اند. برای انتخاب نمونه ی آماری معیارهای زیر در نظر گرفته می شود:

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. به علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود برخی نا هماهنگی ها میان اعضای جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری قرار داده شده و از این رو نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک انتخاب میشود. شرایط یاد شده عبارت اند از

- ۱- تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی ۱۳۹۵-۱۴۰۱ در بورس فعال نبوده اند.
 - ۲- تعداد شرکت هایی بعد از سال ۱۳۹۴ در بورس پذیرفته شده اند.
 - ۳- تعداد شرکت هایی که جزهلدینگ، سرمایه گذاری ها، واسطه گری های مالی، بانکها و یا لیزینگها بوده اند.
 - ۴- تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی تحقیق تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نمی باشد.
 - ۵- تعداد شرکت هایی که در قلمرو زمانی تحقیق اطلاعات مورد آن ها در دسترس نمی باشد.
- در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز، ابتدا از روش کتابخانه ای و مطالعات اسنادی استفاده شده که بر این اساس، مبانی نظری و ادبیات پژوهش از کتب و مجلات تخصصی لاتین و فارسی گردآوری گردید. سپس داده های لازم برای آزمون فرضیه های تحقیق از طریق مراجعه به صورت های مالی و یادداشت های توضیحی شرکت های منتخب، لوح های فشرده آرشیو تصویری و آماری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و دیگر پایگاه های مرتبط و نیز از نرم افزار تدبیر پرداز و ره آورد نوین استخراج شد. داده ها پس از گردآوری و انتقال به صفحه گسترده Excel و اعمال محاسبات لازم، برای تجزیه و تحلیل نهایی آماده گردیدند. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده ها نیز از نرم افزار اقتصاد سنجی Eviews استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش



مدل مفهومی پژوهش

متغیر وابسته

مدیریت سود profit management

مدیریت سود مدل مورد نظر در زیر برای پیش بینی فرضیه ها پیشنهاد شده است. مدیریت سود علاوه بر سه متغیر اصلی مورد توجه، مدل شامل تعدادی از متغیرهای کنترل است که به عنوان تعیین کننده های مهم مدیریت سود در تحقیقات قبلی شناخته شده است مدیریت سود به وسیله مدل کوتاری اندازه گیری می شود. کوتاری و همکاران مدلی را طراحی کردند که همانند مدل تعدیل شده جونز بود ولی در آن از نرخ بازده دارایی ها نیز استفاده شده بود. آنها در مطالعات خود یافتند که این مدل نتایج قوی تری نسبت به مدل جونز دارد. مدل آن ها به صورت زیر بود (کوتاری و همکاران^۱، ۲۰۰۵).

$$TAC/TA_{it} = \beta_1 \left(\frac{1}{TA} \right)_{it} + \beta_2 (\Delta REV - \Delta REC)_{it} / TA_{it} + \beta_3 (PPE/TA)_{it} + \beta_4 (\Delta CFO/TA)_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر مستقل

حق الزحمه حسابرسی (LNAFEE)

برابر است با لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی

تخصص هیات مدیره (Board expertise)

تخصص هیات مدیره یک متغیری مجازی است که برای اندازه گیری تخصص هیات مدیره از تجربه کاری حداقل ۳ سال مدیریت داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر (ساعد و همکاران، ۲۰۱۵).

متغیر تعدیلی

رشد فروش GROW: فروش سال جاری منهای فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل (تغییر در مقدار فروش)

متغیر کنترلی

اهرم مالی (LEV)

بر اساس تقسیم کل بدهی های بلند مدت بر دارایی های کل بدست می آید.

بازده حقوق صاحبان سهام

این نسبت بیانگر مدیریت شرکت در استفاده کارا از پول سرمایه گذاران و نشان دهنده قدرت مدیریت در افزایش ارزش شرکت به صورت قابل قبول است. در واقع، بازده حقوق صاحبان سهام وضعیتی است که مدیر به دقت تمامی جنبه های فعالیت را به منظور استفاده بهتر و سودآورتر از منابع در دسترس موسسه، کنترل کند. یکی از وظایف اصلی مدیریت، ارزیابی و پیشبرد بازده حقوق صاحبان سهام شرکت است. در این تحقیق، از رابطه زیر برای محاسبه بازده حقوق صاحبان سهام استفاده می شود.

¹ Kothari et all

$$ROE_t = NI_t / E_t$$

که در آن، ROE بازده حقوق صاحبان سهام، NI سود خالص و E حقوق صاحبان سهام است.

سن شرکت

لگاریتم تعداد سال‌هایی است که شرکت در بورس پذیرفته شده است.

مدل رگرسیونی پژوهش

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 LNAFEE_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 BeX_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 LNAFEE_{it} + \beta_2 BeX_{it} + \beta_3 (LNAFEE * GROW)_{it} + \beta_4 (BeX * GROW)_{it} \\ + \beta_5 Lev_{it} + \beta_6 ROE_{it} + \beta_7 Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

ACC: مدیریت سود

LNAFEE: حق الزحمه حسابرسی

BEX: تخصص هیات مدیره

Lev: اهرم مالی

ROE: بازده حقوق صاحبان سهام

Age: سن شرکت

یافته های پژوهش

این پژوهش به بررسی تاثیر پاداش مدیرعامل، تخصص هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. در فصل قبل ابتدا تعریفی از پژوهش ارائه شد. سپس با تعریف فرضیه، فرضیه‌های پژوهش بیان شد که منجر به تعریف متغیرهای پژوهش، شامل دودسته متغیرهای مستقل وابسته گردید. بعدازآن جامعه آماری و روش گردآوری داده‌ها بیان شد. درنهایت در قسمت روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها به بیان روش‌های آزمون فرضیه‌ها، آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون F لیمر، آزمون هم‌خطی، آزمون برش پاگان و گودفری و آزمون F و t پرداخته شد. در این فصل نیز با بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف و مناسب آماری که با روش پژوهش، نوع متغیرها، فرضیه‌ها و مطابقت دارد، به تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها پرداخته می‌شود تا پاسخ سؤالات پژوهش، یافت گردد.

در این فصل نتایج پژوهش در دو بخش ارائه می‌گردد. بخش اول، مروری بر داده‌های جمع‌آوری شده و روند آن طی دوره‌ی مورد بررسی است. در بخش دوم، با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرد و نهایتاً نتیجه‌گیری در مورد هر فرضیه ارائه می‌گردد.

جامعه آماری در این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک دوره ده‌ساله ۱۴۰۰-۱۳۹۴ است.

در این پژوهش ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که در این دوره زمانی ۷ ساله فعالیت داشته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفتند.

در پژوهش حاضر ابتدا آمارهای توصیفی برای متغیرهای مدل رگرسیون ارائه می‌شود. شاخص‌های توصیف داده‌ها، شامل شاخص‌های مرکزی (مانند میانگین و میانه)، شاخص‌های پراکنندگی مانند واریانس و انحراف معیار و شاخص‌های

شکل توزیع (مانند شاخص چولگی و کشیدگی) برای تک تک متغیرهای پژوهش محاسبه خواهد شد. این آمارها شمایی کلی از تک تک متغیرهای مدل به دست می دهد.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش که با استفاده از داده های ۱۳۳ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره های زمانی بین سال های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ اندازه گیری شده اند، شامل تعداد مشاهدات، میانگین، انحراف معیار، حداقل، حداکثر، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی است که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل - متغیرهای پیوسته									
نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
مدیریت سود	ACC	۹۳۱	۰.۰۰۲۰	-۰.۰۰۶۸	۰.۲۹۰۴	-۰.۲۵۰۰	۰.۱۱۸۴	۰.۲۹۴۱	۲.۶۸۱۲
حق الزحمه حسابرسی	AFEE	۹۳۱	۱۰.۳۱۳۱	۱۰.۳۱۱۳	۱۶.۰۱۵۵	۵.۶۰۶۸	۱.۳۸۹۴	۰.۳۳۲۵	۴.۴۵۷۱
تخصص هیئت مدیره	BEX	۹۳۱	۰.۵۹۰۸	۱	۱	۰	۰.۴۹۲۰	-۰.۳۶۹۲	۱.۱۳۶۳
رشد فروش	Growth	۹۳۱	۰.۲۵۹۵	۰.۱۷۳۳	۷.۸۱۵۵	-۰.۹۳۱۰	۰.۶۰۰۵	۲.۵۳۶۱	۷.۰۲۵۷
اهرم مالی	LEV	۹۳۱	۰.۵۷۷۴	۰.۵۹۳۵	۱.۵۶۵۶	۰.۰۱۲۷	۰.۲۲۳۲	-۰.۰۱۲۶	۳.۳۸۹۱
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۹۳۱	۰.۲۴۶۲	۰.۲۲۶۶	۶.۸۸۸۵	-۲.۸۹۸۸	۰.۵۱۲۴	۳.۱۵۳۲	۸.۸۳۸۹
سن شرکت	AGE	۹۳۱	۳.۶۶۶۱	۳.۷۸۴۲	۴.۲۰۴۷	۲.۶۳۹۱	۰.۳۴۰۱	-۰.۸۴۵	۲.۷۹۷۹

در جدول (۱)، برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میان، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی ارائه شده است. در این میان، پارامترهای مرکزی، دسته ای از پارامترهای توصیف کننده ی یک توزیع آماری هستند که ویژگی داده ها را نسبت به مرکز توزیع بیان می کنند. میانگین به عنوان نقطه تعادل و مرکز ثقل یک توزیع آماری، یکی از شاخص های مرکزی مناسب برای نشان دادن مرکزیت داده ها است. در جدول ۱ تعداد مشاهدات مربوط به شرکت های مورد مطالعه ۹۳۱ (۱۳۳ شرکت در ۷ سال) است. همچنین مشاهده می شود که میانگین و انحراف معیار متغیرهای، مدیریت سود $0/118 \pm 0/002$ ، حق الزحمه حسابرسی $1/389 \pm 10/313$ ، تخصص هیئت مدیره $0/492 \pm 0/591$ ، رشد فروش $0/600 \pm 0/259$ ، اهرم مالی $0/223 \pm 0/577$ ، بازده حقوق صاحبان سهام $0/246 \pm 0/512$ و سن شرکت $0/340 \pm 3/666$ است.

دسته ای دیگر از پارامترهای توصیف کننده ی جامعه، پارامترهای پراکندگی هستند. پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. هرچه قدر میزان انحراف معیار یک توزیع آماری بیشتر باشد، نشان دهنده ی این است که این داده ها، دارای پراکندگی بیشتری هستند. در میان متغیرهای این پژوهش پاداش مدیرعامل بیشترین پراکندگی مدیریت سود کمترین پراکندگی را دارد؛ اما نکته ای که باید به آن توجه داشت عدم یکسان بودن واحد سنجش این دو متغیر است و لذا اختلافی که در میزان بیشترین و کمترین انحراف معیار متغیرها مشاهده می شود، دلیلی بر عدم مناسب بودن داده ها برای برآورد نیست. چولگی بیانگر عدم تقارن منحنی فراوانی است. اگر ضریب چولگی صفر باشد جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود دارد. با در نظر گرفتن ضریب چولگی انواع متغیرها، مشخص می شود که توزیع متغیرهای پژوهش به پاداش مدیرعامل، تخصص هیئت مدیره، اهرم

مالی و سن شرکت به طور کلی از چولگی به سمت راست (چولگی مثبت) برخوردار است؛ این بدان معناست که توزیع جامعه، توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر بوده است.

جدول (۲): نتایج آزمون مانایی برای متغیرهای مدلها

نتیجه	مقدار P*	آماره آزمون	متغیر
پایا	۰.۰۰۰۰	-۲۵.۴۱۷	مدیریت سود
پایا	۰.۰۰۰۰	-۳۳.۵۴۵	حق الزحمه حسابرسی
پایا	۰.۰۰۰۰	-۵.۳۳۳	تخصص هیئت مدیره
پایا	۰.۰۰۰۰	-۵۵.۸۷۰	رشد فروش
پایا	۰.۰۰۰۰	-۲۴۶.۸۴۶	اهرم مالی
پایا	۰.۰۰۰۰	-۷۷.۶۵۵	بازده حقوق صاحبان سهام
پایا	۰.۰۰۰۰	-۷۸.۴۹۵	سن شرکت

* p-value (prob)

قبل از تفسیر نتایج جدول ۲ ذکر این نکته قابل توجه است که در آزمون ریشه واحد، فرض صفر بیانگر نامانایی متغیرها است. در این صورت چنانچه مقدار p کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد خواهد شد. به این ترتیب نتایج حاصل از آزمون مانایی برای داده‌های ترکیبی (پانل) در جدول ۲ نشان از مانا بودن تمام متغیرهای مورد مطالعه است.

جدول (۳): نتایج آزمون جارکوبرا

نام متغیر	تعداد	آماره	سطح معناداری
مدل اول	۹۳۱	۱۷/۸۱۰	۰/۰۰۰
مدل دوم	۹۳۱	۱۵/۲۵۸	۰/۰۰۰
مدل سوم	۹۳۱	۱۷/۷۸۰	۰/۰۰۰

جدول (۴): آزمون همبستگی سریالی LM

نام متغیر	نوع آماره	احتمال آماره	سطح معناداری
مدل اول	۹۲۴,۲F	۳۹/۵۱۴	۰/۰۰۰۰
مدل دوم	۹۲۴,۲F	۴۰/۱۴۳	۰/۰۰۰۰
مدل سوم	۹۲۴,۲F	۳۸/۶۹۳	۰/۰۰۰۰

با توجه به جدول مشاهده می‌شود سه تا مدل پژوهش مشکل وجود همبستگی جمله خطا وجود دارد که در هنگام تخمین مدل باید این مشکل در چهار تا مدل رفع شود.

جدول (۵): آزمون بروش، پاگان، گودفری

نام متغیر	نوع آماره	احتمال آماره	سطح معناداری	نتیجه
مدل اول	۹۲۶,۴F	۲/۷۷۷	۰/۰۲۶	GLS
مدل دوم	۹۲۶,۴F	۲/۸۶۰	۰/۰۲۳	GLS
مدل سوم	۹۲۶,۴F	۲/۳۱۶	۰/۰۵۶	OLS

جدول (۶): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل اول پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۰.۹۶۷۹۲۶۳۷	۱.۰۳۳۱۳۶۴۴
حق الزحمه حسابرسی	AFEE	۰.۹۶۸۳۹۴۵۹	۱.۰۳۲۶۳۶۹۱
اهرم مالی	LEV	۰.۹۹۸۳۹۳۷۰	۱.۰۰۱۶۰۸۸۸
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰.۹۹۶۷۷۶۹۰	۱.۰۰۳۲۳۳۵۲
سن شرکت	AGE	۰.۹۶۷۹۲۶۳۷	۱.۰۳۳۱۳۶۴۴

جدول (۷): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل دوم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۰.۹۹۴۰۲۹۴۴	۱.۰۰۶۰۰۶۴۲
تخصص هیئت مدیره	BEX	۰.۹۹۶۸۰۶۵۷	۱.۰۰۳۲۰۳۶۶
اهرم مالی	LEV	۰.۹۹۹۰۷۸۳۵	۱.۰۰۰۹۲۲۵۰
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰.۹۹۳۲۰۱۷۷	۱.۰۰۶۸۴۴۷۶
سن شرکت	AGE	۰.۹۹۴۰۲۹۴۴	۱.۰۰۶۰۰۶۴۲

جدول (۸): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل سوم پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
ضریب ثابت	C	۰.۸۱۱۹۳۳۲۱	۱.۲۳۱۶۲۹۹۲
حق الزحمه حسابرسی	AFEE	۰.۸۱۶۶۹۹۰۱	۱.۲۲۴۴۴۱۳۰
تخصص هیئت مدیره	BEX	۰.۰۰۹۲۱۹۴۹	۲.۰۸۴۶۵۹۱۹
رشد فروش	Growth	۰.۲۸۰۸۹۲۰۳	۳.۵۶۰۰۸۶۷۶
حق الزحمه حسابرسی*رشد فروش	AFEE* Growth	۰.۵۲۴۲۳۴۹۲	۱.۹۰۷۵۴۱۷۴
تخصص هیئت مدیره*رشد فروش	BEX* Growth	۰.۹۵۲۹۴۴۷۲	۱.۰۴۹۳۷۸۸۱
اهرم مالی	LEV	۰.۹۸۴۵۳۳۵۶	۱.۰۱۵۷۰۹۴۰
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰.۹۹۰۳۱۵۳۰	۱.۰۰۹۷۷۹۴۱
سن شرکت	AGE	۰.۸۱۱۹۳۳۲۱	۱.۲۳۱۶۲۹۹۲

این فرض مدل کلاسیک رگرسیون خطی بیان میدارد که بین جملات باقیمانده رگرسیون، همبستگی وجود نداشته باشد. برای بررسی استقلال باقیمانده ها از آماره دوربین واتسون استفاده شده است. اگر مقدار آماره دوربین واتسون نزدیک به عدد دو باشد، استقلال باقیمانده ها پذیرفته می شود؛ اما اگر این آماره خارج از محدوده مجاز (۲/۵، ۱/۵) باشد. به منظور رفع خودهمبستگی از تکنیک تأخیر (وقفه) زمانی مرتبه اول AR(1) استفاده می شود. نتایج تخمین مدل های پژوهش نشان می دهد، میزان این آماره در مدل در محدوده مجاز خود قرار دارند و لذا دلیلی برای رد عدم وجود خودهمبستگی بین جملات باقیمانده وجود ندارد. به عبارت دیگر، فرض عدم وجود خودهمبستگی جزء خطا در مدل های مورد استفاده در پژوهش برقرار است.

جدول (۹): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود خودهمبستگی جزء خطا

مقدار آماره	نوع آماره	مدل پژوهش
۲/۰۶۵	دوربین-واتسون	مدل اول پژوهش
۲/۰۲۱	دوربین-واتسون	مدل دوم پژوهش
۲/۰۶۳	دوربین-واتسون	مدل سوم پژوهش

جدول (۱۰): همبستگی بین متغیرهای مدل پژوهش

(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	متغیرهای تحقیق
						۱	مدیریت سود

					۱	۰،۲۵۰۲	حق الزحمه حسابرسی
					-----	۰،۰۰۰۰	
				۱	۰،۰۰۰۳۳-	۰،۰۶۶۶-	تخصص هیئت مدیره
				-----	۰،۹۱۹۲	۰،۰۴۲۱	
			۱	۰،۰۶۷۶-	۰،۰۳۴۶-	۰،۲۰۳۲	رشد فروش
			-----	۰،۰۳۹۱	۰،۲۹۲۱	۰،۰۰۰۰	
		۱	۰،۰۶۳۶-	۰،۰۳۰۲	۰،۱۷۳۲	۰،۳۰۸۸-	اهرم مالی
		-----	۰،۰۵۲۴	۰،۳۵۶۹	۰،۰۰۰۰	۰،۰۰۰۰	
	۱	۰،۰۲۷۵-	۰،۰۷۴۸	۰،۰۰۰۷۵-	۰،۰۳۱۱-	۰،۰۰۰۷۳	بازده حقوق صاحبان سهام
	-----	۰،۴۰۱۸	۰،۰۲۲۴	۰،۸۱۹۷	۰،۳۴۲۶	۰،۸۲۴۸	
۱	۰،۰۰۰۹۴	۰،۰۰۴۱	۰،۰۲۳۴-	۰،۰۷۱۹	۰،۰۴۴۱	۰،۱۰۰۲	سن شرکت
-----	۰،۷۷۵۷	۰،۲۱۱۵	۰،۴۷۵۳	۰،۰۲۸۲	۰،۱۷۸۸	۰،۰۰۲۲	

جدول (۱۱): نتایج آزمون F لیمر برای مدل اول

نتیجه	مقدار p	درجه آزادی	آماره آزمون
استفاده از داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰	(۱۳۲،۷۹۴)	۳/۰۰۵
استفاده از داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰۲	(۱۳۲،۷۹۴)	۳/۰۱۱
استفاده از داده‌های تابلویی	۰/۰۰۰۰	(۱۳۲،۷۹۴)	۳/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود فرض صفر مبنی بر برابری همه اثرات خاص شرکت‌ها در مورد مدل‌ها رد می‌شود ($p < ۰/۰۵$). این بدان معنی است که نمی‌توان مدل‌ها را با روی هم ریختن داده‌های مربوط به شرکت‌های مورد مطالعه و به روش Pooling تخمین زد بلکه باید از روش داده‌های پانل استفاده کرد. به عبارتی کارآمدی برآورد مدل با استفاده از داده‌های پانل برای ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مشخص می‌شود.

جدول (۱۲): نتایج آزمون هاسمن برای مدل اول

نتیجه	مقدار p	درجه آزادی	آماره آزمون
استفاده از مدل اثرات ثابت	۰/۰۲۹	۴	۱۰/۷۸۴
استفاده از مدل اثرات تصادفی	۰/۱۴۱	۴	۶/۹۱۰
استفاده از مدل اثرات تصادفی	۰/۰۵۰	۶	۹/۴۸۷

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می شود فرض صفر کارا تر بودن مدل اثرات تصادفی برای شرکت های مورد مطالعه رد نمی شود ($p > 0/05$). به عبارتی نتایج بیانگر تأیید اثرات تصادفی در برابر اثرات ثابت است بنابراین مدل ها برای ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید به صورت اثرات تصادفی تخمین زده می شود.

مدل اول پژوهش: حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

جدول (۱۳): نتایج بررسی ضرایب جزئی (مدل اول) با روش تصادفی با توجه به همسانی

متغیر وابسته: مدیریت سود، تعداد دوره: ۷، تعداد تقاطع: ۱۳۳، تعداد ترکیب موزون: ۹۳۱					
$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AFEE_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 AGE_{i,t} + \varepsilon_{it}$					
نتیجه	احتمال	آماره t	ضرایب	نماد	متغیرها
معنادار	۰،۰۰۰۸	۲،۶۶۰۱-	۰،۶۹۹۶-	C	ضریب ثابت
معنادار	۰،۰۰۳۱۸	۲،۱۵۰۶	۰،۰۰۰۵۹	AFEE	حق الزحمه حسابرسی
معنادار	۰،۰۰۱۳۴	۲،۴۷۹۵-	۰،۰۰۲۸۵-	LEV	اهرم مالی
عدم تایید	۰،۴۶۳۳	۰،۷۳۳۹	۰،۰۰۰۶۲	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام
معنادار	۰،۰۰۰۷۳	۲،۶۹۲۸	۰،۰۲۰۸۳	AGE	سن شرکت
	۰/۰۰۰			۲/۰۲۱	آماره دوربین - واتسون

مدل دوم پژوهش: تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

جدول (۱۴): نتایج بررسی ضرایب جزئی (مدل سوم) با روش ثابت با توجه به ناهمسانی

متغیر وابسته: مدیریت سود، تعداد دوره: ۷، تعداد تقاطع: ۱۳۳، تعداد ترکیب موزون: ۹۳۱					
$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 BEX_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 AGE_{i,t} + \varepsilon_{it}$					
نتیجه	احتمال	آماره t	ضرایب	نماد	متغیرها
معنادار	۰،۰۰۴۶۹	۱،۹۹۰۵-	۰،۳۴۹۲-	C	ضریب ثابت
معنادار	۰،۰۰۱۱۱	۲،۵۴۷۷	۰،۰۰۱۳۶	BEX	تخصص هیئت مدیره
معنادار	۰،۰۰۰۰۰	۴،۹۴۱۲-	۰،۰۰۷۲۵-	LEV	اهرم مالی
عدم تایید	۰،۹۳۰۴	۰،۰۰۸۷۴	۰،۰۰۰۰۵	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام
معنادار	۰،۰۰۴۲۳	۲،۰۳۴۱	۰،۰۰۹۶۷	AGE	سن شرکت
	۰/۰۰۰			۲/۰۶۳	آماره دوربین - واتسون
				۸/۱۶۰	آماره F
				۰/۵۵۲	ضریب تعیین تعدیل شده
				۰/۶۲۹	ضریب تعیین

منبع: یافته های پژوهشگر

مدل سوم پژوهش

حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش تأثیر معناداری دارد.

جدول (۱۵): نتایج بررسی ضرایب جزئی (مدل سوم) با روش تصادفی با توجه به همسانی

متغیر وابسته: مدیریت سود، تعداد دوره: ۷، تعداد تقاطع: ۱۳۳، تعداد ترکیب موزون: ۹۳۱					
$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CEOCOM_{it} + \beta_2 AFEE_{it} + \beta_3 BEX_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \beta_5 CEOCOM_{it} * Growth_{it} + \beta_6 AFEE_{it} * Growth_{it} + \beta_7 BEX_{it} * Growth_{it} + \beta_8 LEV_{it} + \beta_9 ROE_{it} + \beta_{10} AGE_{i,t} + \varepsilon_{it}$					
نتیجه	احتمال	آماره t	ضرایب	نماد	متغیرها
معنادار	۰،۰۳۳۳	۲،۱۳۲۷-	۰،۱۱۲-	C	ضریب ثابت
معنادار	۰،۰۰۰۱	۳،۸۸۳۳	۰،۰۳۰۸	AFEE	حق الزحمه حسابرسی
معنادار	۰،۰۴۴۲	۲،۰۱۵۹	۰،۰۱۷۶	BEX	تخصص هیئت مدیره
معنادار	۰،۰۲۶۷	۲،۲۲۰۴	۰،۰۸۴۱	Growth	رشد فروش
معنادار	۰،۰۰۵۳	۲،۰۸	۰،۰۰۵۷	AFEE* Growth	حق الزحمه حسابرسی* رشد فروش
معنادار	۰،۰۲۲	۲،۲۹۶۶	۰،۰۱۳۲	BEX* Growth	تخصص هیئت مدیره* رشد فروش
معنادار	۰،۰۱۸۱	۲،۳۶۷۶-	۰،۰۱۴۶-	LEV	اهرم مالی
عدم تایید	۰،۸۲۳۸	۰،۲۲۲۸	۰،۰۰۲۱	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام
معنادار	۰،۰۱۰۱	۲،۵۸۰۱	۰،۰۲۹۶	AGE	سن شرکت
	۰/۰۰۰			۲/۰۰۷	آماره دوربین- واتسون
				۹/۴۵۵	آماره F
				۰/۵۰۴	ضریب تعیین تعدیل شده
				۰/۶۱۷	ضریب تعیین

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر پاداش مدیرعامل، تخصص هیات مدیره و حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است. روش پژوهش، توصیفی همبستگی با رویکرد کاربردی می باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر که از ابتدای سال ۱۳۹۴ تا پایان سال ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفته اند عبارت است از تمام شرکتهای غیرمالی لیست شده که در بورس تهران قرار داشتند، در این تحقیق از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک استفاده شده است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار Excel و Eviews12 استفاده شده است. در این پژوهش از آزمون کلوموگراف اسمیرنوف جهت مشخص کردن نرمال یا غیرنرمال بودن داده ها استفاده شد. که با توجه به نرمال بودن داده ها و با توجه به آزمون F لیمر و هاسمن مدل دارای پانل دیتا به روش اثرات تصادفی تخمین زده شدند و همچنین دو مدل دارای ناهمسانی واریانس و همچنین خودهمبستگی سریالی می باشند. در ادامه به گزارش نتایج و یافته های پژوهش پرداخته می شود.

فرضیه ۱: حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیونی حق الزحمه حسابرسی می توان نتیجه گرفت حق الزحمه حسابرسی با پاداش مدیرعامل، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد (p < ۰/۰۵). فرضیه

دوم مورد تایید است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر t برای تمام متغیرها به جزء بازده حقوق صاحبان سهام در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد یعنی به جزء متغیر نام برده بقیه متغیرها در مدل معنی‌دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سن شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد. منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق الزحمه ای تامین می‌شود که از انعقاد قرار داد با صاحبکاران عاید می‌شود. حسابرسان جهت قیمت گذاری خدمات حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند و تحقیقات زیادی نیز در رابطه با شناسایی و ارزیابی این عوامل انجام شده است. عوامل توصیفی که در اغلب پژوهشها، مدنظر قرار گرفته اند، شامل عوامل ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحد مورد رسیدگی بوده است. در این خصوص دفاند (۲۰۰۰)، عنوان نموده که مدل‌های به دست آمده شامل این عوامل، قدرت توصیفی بالایی دارند و از طریق نمونه ها، کشورها و دوره های زمانی تقویت شده اند. پژوهشهای انجام شده در کشورهای گوناگون که سعی در بررسی عوامل اثرگذار بر نحوه قیمت گذاری خدمات حسابرسی داشته اند، متغیرهای مستقل متفاوتی را به عنوان عوامل اثر گذار حق الزحمه حسابرسی ارائه کرده اند. درباره میزان و ماهیت حق الزحمه حسابرسی مطالعات زیادی انجام شده است. بیشتر تحقیقات قبلی حق الزحمه حسابرسی براساس مدل نظری که حق الزحمه حسابرسی به عنوان یک فعالیتی که برحسب تعداد ساعت حسابرسی و قیمت هر ساعت است، توضیح دادند. حق الزحمه حسابرسی به اندازه و پیچیدگی شرکت و بعلاوه ریسک حسابرسی وابسته است. نتایج پژوهش با پژوهش های خانی و همکاران (۱۳۹۹)، و خوشکار و همکاران (۱۳۹۸)، و هسیه و همکاران (۲۰۲۰)، همسو می‌باشد.

فرضیه ۲: تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود تأثیر معناداری دارد.

با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیونی تخصص هیئت مدیره می‌توان نتیجه گرفت تخصص هیئت مدیره با مدیریت سود، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد ($p < 0.05$). فرضیه سوم مورد تایید است. نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر t برای تمام متغیرها به جزء بازده حقوق صاحبان سهام در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد یعنی به جزء متغیر نام برده بقیه متغیرها در مدل معنی‌دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سن شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد. بازار بورس اوراق بهادار به طور واضح محیطی است که مستلزم دانش و تخصص مالی برای اخذ تصمیمات سرمایه گذاری است. وقتی مدیر شناخت خوبی از لحاظ ادبیات، مالی راهبردهای سرمایه گذاری و نتایج ضمنی راهبردهای تأمین مالی دارد احتمال اینکه رفتاری ناعقلانی داشته باشد میتواند کاهش یابد برخلاف این، مدیری که تخصص غیرمالی دارد ممکن است حساسیت سرمایه گذاری جریان نقدی را افزایش دهد. علتش آن است که وی فاقد روحیه مالی است. نتایج پژوهش با پژوهش های فاضلی و نیاکان (۱۴۰۰)، مزیری نوده و همکاران (۱۴۰۰)، بوازیز و همکاران (۲۰۲۰)، همسو می‌باشد.

فرضیه ۳: حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود با توجه به نقش تعدیل کننده رشد فروش تأثیر معناداری دارد. با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیونی رشد فروش می‌توان نتیجه گرفت رشد فروش با مدیریت سود، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد ($p < 0.05$). با توجه به مقدار ضریب رگرسیون حق الزحمه حسابرسی، رشد فروش می‌توان نتیجه گرفت که حق الزحمه حسابرسی با مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری ندارد. نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که ضریب متغیر حق الزحمه حسابرسی بر مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش برای شرکت‌های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0.05$)؛ بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیون حق الزحمه حسابرسی، رشد فروش می‌توان نتیجه گرفت که حق الزحمه

حسابرسی با مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر تخصص هیئت مدیره بر مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش برای شرکت‌های مورد مطالعه معنادار است ($p < 0.05$)؛ بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیون تخصص هیئت مدیره، رشد فروش می‌توان نتیجه گرفت که تخصص هیئت مدیره با مدیریت سود با توجه به متغیر تعدیل کننده رشد فروش در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد. بنابراین فرضیه چهارم مورد تایید می‌باشد.

نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر t برای تمام متغیرها به جزء بازده حقوق صاحبان سهام در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد یعنی به جزء متغیر نام برده بقیه متغیرها در مدل معنی دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اهرم مالی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سن شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد. دی (۱۹۸۸)، بیان می‌کند که مدیریت سود معمولاً از استفاده مدیران آزمایای عدم تقارن اطلاعاتی ناشی می‌شود. وی حداقل دومیسأله مهم را مطرح نموده است. اولاً، برای افزایش پاداش مدیران که توسط سرمایه گذاران تأمین می‌شود، سود دستکاری می‌شود و ثانیاً، سرمایه گذاران بالفعل تمایل دارند که بازار برداشت بهتری از ارزش شرکت داشته باشد. بنابراین، انتقال ثروت بالقوه از سرمایه گذاران جدید به سرمایه گذاران قدیمی که ایجاد کننده یک تقاضای داخلی برای مدیریت سود هستند، به وجود می‌آید. هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که توسط مدیریت و با استفاده از ابزارهای خاصی در حسابداری جهت کاستن از نوسانات در سود انجام می‌گیرد. به گفته لئوپولدای بی. "هموارسازی سود بیشتر عملی سفسطه آمیز و مودیانه است. به ندرت براساس دروغ‌های آشکار انجام می‌گیرد، زیرا هموارسازی سود بیشتر در اثر تعبیر و تفسیر به دست آمده از اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری حاصل می‌گردد. به بیان دیگر هموارسازی سود در محدوده اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری صورت می‌پذیرد." نتایج پژوهش با پژوهش‌های ال کوثر و همکاران (۱۴۰۰)، فاضلی و نیاکان (۱۴۰۰)، و مهندرا و همکاران (۲۰۲۲)، همسو می‌باشد.

بیان محدودیت‌های تحقیق باعث جلوگیری از برداشت‌های غلط و قضاوت‌های نادرست می‌شود. لذا، محدودیت‌های این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

- ✓ یکی از محدودیت‌های این تحقیق، عدم امکان دسترسی به اطلاعات دقیق در مورد ترکیب مالکیت شرکت هاست. یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی دربرگیرنده ترکیب سهامداران شرکت هاست که این اطلاعات معمولاً سلیقه‌ای و به شکلی ناهماهنگ ارائه می‌شود. سایر سهامداران، یک گروه و عنوان کلی است که اشخاص حقوقی و حقیقی نامتجانس در آن جای گرفته‌اند. شرکت‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و اشخاص حقیقی در گروه سایر سهامداران قرار گرفته‌اند که به لحاظ ماهیت و کارکرد بسیار متفاوت می‌باشند. در صورت دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر، امکان دستیابی به نتایج متفاوت وجود دارد.
- ✓ در این پژوهش برای بررسی سطح افشای اطلاعات شرکت‌ها تنها بر روی یکی از اشکال افشا (گزارشات سالانه و امتیازهای متعلقه توسط بورس) بررسی انجام شد، درحالی که شرکت‌ها از طریق سایر مجراهای دیگر ارائه اطلاعات مانند رسانه‌ها، وبسایت‌ها و مطبوعات نیز اقدام به افشای اطلاعات می‌کنند.
- ✓ هر علمی در پرتو پژوهش‌های منسجمی است که به صورت علمی و هدفمند انجام می‌شود. با افزایش حیطه‌ی پژوهش‌ها و بهبود روش‌های پژوهش در علوم، این امید وجود دارد که هرچه بهتر و بیشتر توسعه‌ی علوم مختلف شکل گیرد و راحتی و آسایش بیشتری عاید جوامع بشری شود. در طی انجام پژوهش، با بررسی منابع اطلاعاتی در

- ارتباط با موضوع پژوهش و با توجه به نتایج و دستاوردهای پژوهش حاضر پیشنهادهایی مورد توجه قرار گرفته که به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول، پیشنهادهای مبتنی بر نتایج و دسته دوم پیشنهادهای کاربردی و دسته سوم پیشنهادهایی برای تحقیق‌های آینده می‌باشد.
- ✓ با توجه به اینکه بین فرضیه اول لذا به سهامداران و تحلیلگران پیشنهاد می‌شود تا هنگام سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری علاوه به میزان مدیریت سود شرکت‌ها به پاداش مدیران نیز توجه نمایند.
 - ✓ لذا به سرمایه‌گذاران، و سایر اشخاص ذینفع توصیه می‌شود که به اعتبار موسسه حسابرس توجه بیشتری نمایند.
 - ✓ با توجه به نتایج فرضیه سوم پیشنهاد میشود سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی به این موضوع توجه داشته باشند و در هنگام اخذ تصمیمات مبتنی بر صورتهای مالی به تخصص هیئت مدیره به عنوان شاخصی که می‌تواند محافظه کاری و مدیریت سود و به صورت کلی تر کیفیت گزارشگری مالی را تحت تاثیر قرار دهد، توجه نمایند.
 - ✓ نتایج به دست آمده حاکی از این است که در بازار اوراق بهادار تهران، فاکتورهای اقتصادی ارزیابی عملکرد شرکتها در تعیین پاداش مدیران حایز اهمیت است که این امر باعث میشود مدیران توجه خود را به شرکت و در جهت منافع سرمایه‌گذاران معطوف کنند. بنابراین، توصیه میشود برای تعیین میزان پاداش مدیران از طرحهای انگیزشی مبتنی بر ارزش افزوده استفاده شود تا توجه مدیریت به کاهش هزینه سرمایه شرکت، افزایش نرخ بازده داراییها و همچنین، پذیرفتن اجرای پروژه هایی که نرخ بازدهی بیشتر از هزینه سرمایه ایجاد می کنند، جلب شود.
- در حوزه پژوهشی به محققان آتی پیشنهاد می‌شود که در موضوعات زیر به پژوهش بپردازند.
- ✓ تأثیر مدیریت سود بر رابطه بین ساختار سرمایه، سود تقسیمی و ساختار مالکیت با تنوع شرکت.
 - ✓ تأثیر پاداش هیئت مدیره، حق الزحمه حسابرسی و مدیریت سود تعهدی بر افزایش تنوع صنعت.
 - ✓ تأثیر حق الزحمه حسابرسی و پاداش هیئت مدیره بر بقای شرکت‌ها و افزایش سود واقعی.
 - ✓ بررسی نقش تعدیل‌کنندگی مدیریت سود بر رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و عملکرد مالی شرکت‌ها.
 - ✓ بررسی تأثیر حق الزحمه حسابرسی و تخصص هیئت مدیره بر عملکرد مالی شرکت با مداخله‌گری تنوع صنعت.

منابع

- ✓ حاجی‌ها، زهره، قصاب‌ماهر، توران، (۱۳۹۶)، رابطه بین پاداش مدیران ارشد و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه‌های سود، اولین کنفرانس ملی نقش حسابداری، اقتصاد و مدیریت.
- ✓ حسینی‌نیا، شهامت، امیری‌دوماری، فروغ، (۱۳۹۷)، اثر پاداشهای مدیریتی بر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، پنجمین کنفرانس ملی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و حسابداری.
- ✓ خانی، ذبیح‌الله، رجب‌دری، حسین، (۱۳۹۹)، رابطه کیفیت حسابرسی (اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرس) و حق الزحمه غیرعادی حسابرس با اظهارنظر حسابرس نسبت به تداوم فعالیت، دانش حسابداری، شماره ۷۹، صص ۲۴۱-۲۵۸.
- ✓ خوشکار، فرزین، جدیری، مسعود، (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و دانش مالی اعضای هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسی، فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی سال سوم، شماره ۴، صص ۱-۱۰.

- ✓ لاری دشت بیاض، محمود، اورادی، جواد، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین دوره تصدی و دانش مالی مدیر عامل با حقالزحمه حسابرسی، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۸۲، شماره ۳، صص ۲۳-۳۵.
- ✓ مزربی نوده، حمید، عبدلی، محمدرضا، قزل سوفلو، محمدعلی، (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر مکانیزم حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، جلد ۲، شماره ۷۵، صص ۷۱-۹۱.
- ✓ Balsam, S., (1998). Discretionary accounting choices and CEO compensation. *Contemp. Account. Res.* 15 (3), 229–252.
- ✓ Beneish, M., Vargus, M., (2002). Insider trading, earnings quality, and accrual mispricing. *Account. Rev.* 77 (4), 755–791.
- ✓ Bergstresser, D., Philippon, T., (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics* 80, 511–531.
- ✓ Bouaziz, D., Salhi, B. and Jarboui, A. (2020), "CEO characteristics and earnings management: empirical evidence from France", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print
- ✓ Carter, M.E., Lynch, L.J., Zechman, S.L.C., (2009). Changes in bonus contracts in the post-Sarbanes–Oxley era. *Rev. Account. Stud.* 14 (4), 480– 506.
- ✓ Cornett, M.M., Marcus, A.J., Tehranian, H.,(2008). Corporate governance and pay-for-performance: the impact of earnings management. *J. Financ. econ.* 87 (2), 357–373.
- ✓ Das, S., Hong, K., Kim, K., (2013). Earnings smoothing, cash flow volatility, and CEO cash Bonus. *Financ. Rev.* 48 (1), 123–150.
- ✓ Francis, R., Olsson, P., Schipper, K., (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics* 39, 295–327.
- ✓ Gong, G., Li, L.Y., Yin, H., (2019). Relative performance evaluation and the timing of earnings release. *J. Account. Econ* In Press
- ✓ Guay, W., (2008). Discussion of accounting discretion, corporate governance, and firm performance. *Contemporary Accounting Research* 25, 407–413.
- ✓ Healy, P., Kang, S.-H., Palepu, K., (1987). The effect of accounting procedure changes on CEOs' cash salary and bonus compensation. *J. Account. Econ.* 9 (1), 7–34.
- ✓ Healy, P.M., (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *J. Account. Econ.* 7 (1–3), 85–107.
- ✓ Inaam Zgarni, Khamoussi Halioui, (2016) "Audit committee effectiveness, audit quality and earnings management: a meta-analysis", *International Journal of Law and Management*, Vol. 58 Issue: 2, pp.179-196, <https://doi.org/10.1108/IJLMA-01-2015-0006>
- ✓ Jeanjean, T., Stolowy, H., (2008). Do accounting standards matter? An exploratory analysis of earnings management before and after IFRS adoption. *Journal of Accounting and Public Policy* 27, 480–494.
- ✓ Robin, A., Wu, Q., (2012). Firm Growth and the Pricing of Discretionary Accruals. *Review of Quantitative Finance and Accounting*.
- ✓ Sloan, R., (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings? *Account. Rev.* 71 (3), 289–315.